جوانان و محبت اهل بيت (ع)

عليرضا انصارى

موضوع پژوهش زير با استفاده از كتاب « عشق برتر» تهيه و تنظيم شده است.

محبت اهل بيت (ع) يكى از فرايض اسلامى است. برقرارى ارتباط عاطفى بين جوانان و ائمه (ع)، آنان را از لغزش‏ها و آسيب‏ها حفظ مى‏كند. ضمن اين كه با بهره‏گيرى از آموزه‏هاى اهل بيت مى‏توانند مسير صحيح زندگى را انتخاب نمايند. در قرآن كريم، پاداش هدايت‏گرى و ارشاد مردم از سوى اهل بيت (ع)، محبت و دوستى آنان قرار داده شده است: «قل لا اسئلكم عليه اجراً الاّ المودّة فى القربى».(1) پيامبر (ص) فرمود: «مودّت اهل بيت من، بر هر مرد و زنى واجب است.»(2)

محبت اهل بيت (ع) ابعاد گسترده‏اى دارد كه اين نوشتار به راه‏هاى ايجاد محبت اهل بيت (ع) در جوانان با محوريت وظايف خانواده و اجتماع، مى‏پردازد.

قبل از ورود به موضوع اصلى بحث، بيان چند نكته لازم است:

مقصود از اهل بيت (ع)، دوازده امام (ع) و حضرت زهرا (س) مى‏باشد.

مقصود از محبت، دوستى و نهايت عشق ورزيدن به خاندان پيامبر (ص) است كه در متون دينى و روايات با واژه‏هايى مانند: مودّت، محبت و ولايت ياد شده است.

منظور از راه‏هاى ايجاد محبت اهل بيت، گسترش و تعميق محبت است، زيرا اصل محبت اهل بيت با گوشت و پوست مردم آميخته است و نياز به ايجاد آن نيست.

راه‏هاى ايجاد محبت اهل بيت (ع)

شيوه‏هاى متعددى براى ايجاد محبت اهل بيت (ع) در جوانان وجود دارد كه براى رعايت اختصار، به بعضى از آنها اشاره مى‏شود:

1 . الگو سازى‏

به طور كلى مردم و به ويژه جوانان، آرمان‏گرا و قهرمان دوست هستند، از اين رو سعى مى‏كنند رفتار و گفتار آنان را الگوى خود قرار دهند. كشورهاى غربى، درباره شخصيت‏ها و چهره‏هاى ملى و علمى خود صدها كتاب و مقاله مى‏نويسند و فيلم و مجسمه مى‏سازند، اما متأسفانه ما بزرگان دينمان را كه بسيار ارزنده‏تر و شايسته‏تر از الگوهاى غربى هستند، آن چنان كه بايد مطرح نكرده‏ايم و به الگو سازى نپرداخته‏ايم. اگر جوانان جاى گاه رفيع و آموزه‏ها و روش‏هاى امامان را در زندگى بشناسند، مجذوب آنها مى‏شوند. در آموزه‏هاى دينى سفارش شده است كه مردم ائمه معصومين (ع) را الگو قرار دهند.(3) در قرآن، پيامبر اسلام الگويى حسنه معرفى شده است.(4) پيامبر (ص) نيز همگان را به الگوگيرى از اهل بيت (ع) فرا خوانده و فرموده است: «اهل بيت من ميان حق و باطل را جدا مى‏كنند و پيشوايانى هستند كه بايد به آنان اقتدا كرد.»(5)

2 . تعظيم و تكريم اهل بيت (ع)

نحوه برخورد والدين، معلمان و بزرگان جامعه با خاندان پيامبر (ص)، نقش تعيين كننده‏اى در ايجاد محبت آنان دارد. احترام نام ائمه، صلوات فرستادن براى آنان، برخاستن هنگام ذكر نام امام زمان (ع)، برپايى جشن‏هاى ميلاد امامان و برگزارى مراسم عزادارى در شهادت آنان و...، موجب مى‏گردد كه جوانان به سوى اهل بيت جذب شوند. در روايات اسلامى سفارش شده است كه فرزندان خود را به نام‏هاى معصومان (ع) نام گذارى كنيد.(6) هم چنين تأكيد شده است كه هنگام شنيدن نام محمد (ص) بر او و آلش درود بفرستيد. وقتى سكونى به امام صادق (ع) خبر داد كه خداوند به وى دخترى عطا كرده است، حضرت پرسيد: او را چه ناميده‏اى؟ گفت: فاطمه. امام آهى كشيد و فرمود: حال كه نامش را فاطمه نهاده‏اى، به او ناسزا مگو و او را مزن.(7) هنگامى كه «دعبل خزاعى» قصيده معروف خويش را براى امام رضا (ع) خواند و از امام زمان (ع) و قيام او ياد كرد، حضرت دست بر سر گذاشت و به نشانه تواضع در برابر نام مهدى (ع) ايستاد و براى فرج آن حضرت دعا كرد.(8)

3 . يادآورى عنايت ويژه اهل بيت (ع) به شيعه‏

يكى از شيوه‏هاى جذب جوانان به اهل بيت (ع)، بيان عنايت‏هاى ويژه آنان به شيعيان است. زيرا جوانان به طور فطرى دوست دارند كه مورد توجه و عنايت همگان، به ويژه بزرگان قرار گيرند. بر اين اساس، اگر جوانان بدانند كه اهل بيت (ع) آنان را شاخ و برگ درختى مى‏دانند كه به خودشان مربوط مى‏شود و در دنيا گرفتارى هاشان را حل كرده و در آخرت از آنان شفاعت مى‏كنند، دل باخته اهل بيت مى‏گردند. در اين زمينه احاديث فراوانى وجود دارد كه به دو نمونه اشاره مى‏گردد:

امام صادق در ذيل آيه: «انّ الينا ايابهم ثمّ انّ علينا حسابهم» فرمود: چون روز قيامت فرا رسد، خداوند حساب رسى شيعيان را بر عهده ما مى‏گذارد.(9)

روزى امام صادق (ع) گروهى از شيعيان را در مسجد ديد، به آنان نزديك شد، سلام كرد و فرمود: به خدا قسم، روح و بوى شما را دوست دارم... شما ياران دين خداييد، شما پيش‏تازان به سوى بهشتيد و ما بهشت را براى شما تضمين كرده‏ايم.(10)

4 . بيان جاى گاه اهل بيت (ع)

بايد به جوانان آموخت كه اهل بيت (ع) واسطه فيض الهى بوده و ولى نعمت‏هاى ما هستند.(11) آن بزرگواران در ايجاد تمدن اسلامى، هويت سازى و هدايت ما نقش بنيادى داشته و دارند. تمام مسائل عقيدتى، سياسى، فقهى و عرفانى ما ريشه در آموزه‏هاى اهل بيت (ع) دارد و آنان در حوزه‏هاى مختلف علمى، اخلاقى و اجتماعى، قهرمان و اسطوره بودند. ابعاد شخصيت آنها به گونه‏اى بود كه دوست و دشمن را به احترام و اكرام وا مى‏داشت. ذكر چند نمونه در اين جا، شايسته است:

عايشه مى‏گويد: ابوبكر را ديدم كه بسيار به چهره على (ع) نگاه مى‏كند. گفتم: اى پدر! زياد به چهره على نگاه مى‏كنى، علت چيست؟ گفت: دخترم، از رسول خدا (ص) شنيدم كه مى‏فرمود: نظر كردن بر چهره على، عبادت است.(12)

عمر بن خطاب گفت: «زنان عاجزند فرزندى مثل على بن ابى طالب به دنيا آورند.»(13)

عطا مى‏گويد: از عايشه درباره على (ع) سؤال كردم، پاسخ داد: او بهترين انسان است و در اين مطلب شك نمى‏كند مگر كافر.(14)

اگر جاى گاه اهل بيت (ع) در قالب تدوين كتاب، تهيه سريال‏ها و برگزارى همايش و نظاير آن شناسانده شود، جوانان مجذوب اهل بيت (ع) مى‏شوند. امام رضا (ع) فرمود: «اگر مردم خوبى‏هاى حرف‏ها و تعاليم ما را بشناسند، از ما پيروى مى‏كنند.»(15)

5 . بيان فضيلت دوستى اهل بيت (ع)

گرچه بيان جاى گاه اهل بيت (ع) در ايجاد محبت آنان نقش مهمى دارد، ولى بيان فضيلت محبت اهل بيت، تأثير آن را چند برابر مى‏كند. روايات اسلامى همگان را به دوستى اهل بيت (ع) دعوت كرده و حتى آن را حق آنان دانسته است. امام على (ع) فرمود: «عليكم بحب آل نبيّكم فانّه حق اللّه عليكم؛(16) بر شما باد محبت دودمان پيامبرتان، چرا كه آن، حق خدا بر شما مى‏باشد.»

احاديث فراوانى درباره فضيلت اهل بيت (ع) وارد شده است.(17) پيامبر (ص) فرمود: هر كس با محبت آل محمد بميرد، شهيد مرده است، آمرزيده مى‏شود، با توبه و ايمان كامل مى‏ميرد، فرشته مرگ او را به بهشت مژده مى‏دهد و قبرش زيارت‏گاه رحمت الهى مى‏شود... .(18)

در رواياتى ديگر، مودّت و ولايت اهل بيت (ع) يك «فرض الهى» و ملاك قبولى اعمال و عبادت به حساب آمده است.

تولّاى شما فرض خدايى است‏

قبول و ردّ آن مرز جدايى است‏

هر آن كس را كه در دين رسول است‏

ولايت، مُهر و امضاى قبول است‏

ديانت بى شما كامل نگردد

به جز با عشقتان دل، دل نگردد

اهل سنت نيز به محبت اهل بيت (ع) تأكيد كرده‏اند. در شعر شافعى آمده است: اى خاندان پيامبر! حبّ شما فريضه‏اى است كه خداوند در قرآن آورده است، براى شما همين افتخار بزرگ بس كه هر كس (در نماز) بر شما صلوات نفرستد، نمازش درست نيست.(19)

استاد شهيد مطهرى (ره) معتقد است: از بزرگ‏ترين امتياز شيعه بر ساير مذاهب اين است كه پايه و زيربناى اصلى آن، محبت است. از زمان شخص بنى آدم (ص) كه اين مذهب پايه گذارى شده، زمزمه محبت و دوستى بوده است. آن جا كه در سخن رسول اكرم (ص) جمله: «على و شيعته هم الفائزون» را مى‏شنويم، گروهى را در گرد على (ع) مى‏بينيم كه شيفته و مجذوب اويند، از اين رو تشيع، مذهب عشق و شيفتگى است و تولّاى آن حضرت، مكتب عشق و محبت است.(20)

ابن سكّيت اهوازى، از عالمان برجسته و از شاگردان مخصوص امام جواد و امام هادى (ع) است. متوكّل عباسى وى را براى معلمى دو فرزند خود (المعتزّ و المؤيّد) انتخاب كرد. او ناگزير مدتى فرزندان متوكّل را درس داد. روزى مجلس با شكوهى از طرف متوكّل تشكيل شد و شخصيت‏هاى علمى و ادبى در آن شركت كردند. متوكّل مى‏دانست كه ابن سكّيت از محبان و شيعيان اهل بيت (ع) است. در آن مجلس و در حضور همگان از ابن سكّيت پرسيد: اين دو پسرم (المعتزّ و المؤيّد) را بيشتر دوست دارى يا حسن و حسين را؟! ابن سكّيت در تنگناى سختى قرار گرفت، زيرا مى‏دانست كه متوكّل و جلّادان وى بى رحم‏ترين انسان‏ها هستند؛ در عين حال با كمال صراحت جواب داد: به خدا قسم، قنبر - غلام على (ع) - از تو و پسران تو بهتر است. متوكّل از اين پاسخ آن چنان خشمگين شد كه به غلامان دستور داد زبانش را از پشت سرش بيرون بكشند.(21)

6 . تشكّل‏هاى مذهبى‏

برنامه‏هاى خود جوش جوانان كه به صورت گروهى انجام مى‏گيرد؛ مانند: چراغانى و آذين بندى معابر در نيمه شعبان، تشكيل و راه انداختن دسته عزادارى، برپايى جشن و سرور در ايام ميلاد ائمه (ع) و...، همه گره زننده قلب جوانان با محبت اهل بيت (ع) است، زيرا آنان زمينه‏هاى روحى خوبى دارند كه بايد از آن به درستى بهره گرفت. مى‏توان در محله‏هاى مختلف با كمك و مسئوليت خود جوانان هيئت‏هايى تشكيل داد و از اين طريق در ايجاد محبت اهل بيت (ع) كمك كرد.

لازم است در اين جا به نكته‏اى مهم اشاره كنيم و آن اين كه بعضى افراد به پندار اين كه از اهل بيت (ع) تمجيد مى‏نمايند، ناخودآگاه آنان را از الگو بودن خارج مى‏كنند و موجب مى‏گردند جوانان احساس كنند به هيچ وجه نمى‏توانند از سيره و روش زندگى آنان بهره‏مند شوند؛ از اين رو آنان را الگوى خود قرار نمى‏دهند.

در آموزه‏هاى اسلامى، مسلمانان از مبالغه گرايى نهى گرديده‏اند و به آنها سفارش شده است اهل بيت (ع) را آن گونه كه هستند معرفى نمايند. پيامبر اسلام (ص) فرمود: «مرا بيش از حقم بالا نبريد، زيرا خداوند قبل از اين كه مرا پيامبر قرار دهد، عبد خود خود قرار داده است».(22) امام صادق (ع) فرمود: مردى نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: سلام بر تو اى پروردگار من! حضرت به او عتاب كرد: خدا تو را لعنت كند! خداى تو اللّه است».(23) پيامبر (ص) به على (ع) فرمود: «امت من درباره تو سه گروه خواهد شد: گروهى شيعيان و پيروان تو خواهند بود؛ اينان مؤمنان واقعى‏اند. گروهى دشمن تو خواهند بود و گروهى درباره تو غلوّ خواهند كرد؛ اى على! شيعيان تو در بهشت خواهند بود و دشمنان و غلوّ كنندگانِ درباره تو، در آتش.»(24)

برخى در محبت ورزى به اهل بيت (ع) و معرفى آنان تفريط نموده‏اند و محبت آنها را با ديگران برابر دانسته‏اند. اين افراد عقيده دارند كه اهل بيت (ع) متعلق به زمان خودشان بوده‏اند و نمى‏توانند الگوهاى موفقى براى انسان‏ها در همه عصرها باشند.

افراط و تفريط در معرفى اهل بيت و اظهار محبت به آنان، از آسيب‏هاى جدّى است كه بايد با آن مبارزه كرد. بهترين شيوه اظهار محبت به اهل بيت و معرفى آنان، رعايت اعتدال است. امام على (ع) فرمود: «به زودى دو گروه نسبت به من هلاك مى‏گردند: دوستى كه افراط كند و به غير حق كشانده شود و دشمنى كه در كينه توزى با من زياده روى كرده و به راه باطل در آيد.»(25)

8 . زيارت و توسل به اهل بيت (ع)

حضور جوانان در اماكن مذهبى و زيارت اهل بيت (ع) سبب مى‏شود كه بيشتر با جاى‏گاه آنان آشنا شوند و زمينه عمق بخشيدن به مودّت اهل بيت (ع) فراهم گردد. از سوى ديگر، توسل به اهل بيت و خواندن زيارت نامه‏هاى آنها موجب مى‏شود كه جوانان دل باخته آن بزرگواران گردند، زيرا در اين زيارت نامه‏ها ابعاد زندگى و تعليمات اهل بيت (ع) بيان گرديده است.

9 . شبهه زدايى‏

جوانان در عرصه‏هاى مختلف عقيدتى، سياسى و فرهنگى... آسيب پذيرترين قشر جامعه هستند، زيرا تجربه كافى و قدرت تحليل درست مسائل را ندارند و به همين دليل تحت تأثير تبليغات و شبهه سازى‏هاى معاندان قرار مى‏گيرند. ناپختگى جوانان از يك سو و سياست‏هاى سودجويانه دشمنان از سوى ديگر موجب مى‏شود كه آنان در تشخيص حق و باطل و انتخاب مسير صحيح دچار مشكل شوند.

امروزه دشمنان اسلام و اهل بيت (ع) با بهره‏گيرى از همه اهرم‏ها از جمله: فيلم، كتاب، سينما و... در صدد تضعيف باورهاى دينى و جدايى جوانان از اهل بيت (ع) بر آمده‏اند. بر اين اساس، يكى از شيوه‏هاى موفق در ايجاد محبت اهل بيت (ع)، شبهه‏شناسى و شبهه زدايى است. البته شبهه زدايى بايد به گونه‏اى نظام يافته صورت گيرد. حوزه‏هاى علميه، صدا و سيما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، سازمان تبليغات اسلامى، مسئولان نظام و... در اين زمينه وظايف سنگينى دارند. تغذيه فرهنگى و شناساندن درست اهل بيت (ع)، جوانان را از آسيب‏ها و شبيخون فرهنگى دشمن حفظ مى‏كند.

محورهاى پژوهش:

لطفاً فقط يكى از محورهاى زير را انتخاب كرده و درباره آن مقاله بنويسيد.

1 . اهميت و جاى گاه محبت اهل بيت (ع) از نظر آيات و روايات.

2 . اهميت محبت اهل بيت از منظر انديشمندان اهل سنت.

3 . وظايف جوانان، خانواده و نهادهاى مسئول در ايجاد محبت اهل بيت (ع).

4 . نقش ابزارهاى هنرى از جمله: شعر، نقاشى، فيلم، سينما و... در ايجاد محبت اهل بيت (ع).

5 . نقش زيارت و توسل در ايجاد محبت اهل بيت (ع).

6 . عوامل و زمينه‏هاى ايجاد محبت اهل بيت (ع).

7 . آثار و فوايد محبت اهل بيت (ع).

8 . شيوه‏ها و ابزار ايجاد محبت اهل بيت (ع).

9 . موانع و آفات ايجاد محبت اهل بيت (ع).

منابع پژوهش:

1 . ترجمه تفسير الميزان، ج 17 - 18، ذيل آيه 23 سوره شورى.

2 . تفسير نمونه، ج 20، ذيل آيه 23 سوره شورى.

3 . مرتضى مطهرى، جاذبه و دافعه على (ع).

4 . مرتضى مطهرى، تعليم و تربيت در اسلام.

5 . مصطفى دلشاد تهرانى، ماه مهرپرور، از ص 421 - 446.

6 . جواد محدّثى، عشق برتر.

7 . حسين مظاهرى، جهاد با نفس، ج 2، از ص 119 - 138.

8 . محمدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 27، از ص 51 - 254.

9 . حبيب الله طاهرى، درس‏هايى از اخلاق اسلامى، از ص 151 - 156.

10 . مرتضى مطهرى، ولاءها و ولايت‏ها.

11 . محمد محمدى رى شهرى، اهل بيت (ع) در قرآن و حديث، ج 1 و 2.

پي نوشت ها:

1) شورى (42) آيه 23.

2) بحارالانوار، ج 22، ص 315.

3) احتجاج طبرسى، ج 1، ص 198.

4) احزاب (33) آيه 21.

5) احقاق الحق، ج 5، ص 42.

6) علامه بحرانى، العوالم، ج 11، ص 552.

7) همان.

8) علامه امينى، الغدير، ج 2، ص 361.

9) بحارالانوار، ج 7، ص 203.

10) همان، ج 2، ص 206.

11) مفاتيح الجنان، زيارت جامعه.

12) ينابيع المودة، ص 277.

13) همان، ص 448.

14) تاريخ دمشق، ج 2، ص 162.

15) بحارالانوار، ج 2، ص 31.

16) غررالحكم و دررالكلم، حديث 6169.

17) ينابيع المودة، ج 1، ص 78.

18) جواد محدّثى، برگ و بار، ص 59.

19) اقتباس از: جواد محدّثى، عشق برتر، ص 13 - 12.

20) برداشت از: جاذبه و دافعه على (ع)، ص 38 - 35.

21) همان، ص 24.

22) ميزان الحكمه، ح 15248.

23) همان، ح 15252.

24) همان، ح 15266.

25) محمد دشتى، ترجمه نهج البلاغه، ص 248 - 240.